

نگرانی آمریکا از شراکت روسیه و چین

قدرت روزافزون چین و تضعیف موقعیت روسیه در پی کاهش منابع این کشور در جنگ با اوکراین، در حال تغییر دادن ژئوپلیتیک آسیای مرکزی است. قزاقستان، قرقیزستان، تاجیکستان، ترکمنستان و ازبکستان که از نظر تاریخی تحت نفوذ روسیه بودند، اکنون به سمت همکاری اقتصادی رو به رشد با چین و ابتکار کمربند و جاده کشیده می‌شوند. جنگ روسیه با اوکراین، ظرفیت این کشور را برای تعامل منطقه‌ای محدود کرده و باعث تقویت اهرم اقتصادی چین شده است. پکن و مسکو در حال آزمایش ابعاد و عمق جدیدی از روابط خود هستند که می‌توانند تعامل آینده آنها با پایتخت‌های آسیای مرکزی را شکل دهد. این پویایی پیچیده فرصتی را برای تعمیق روابط آمریکا با کشورهای آسیای مرکزی فراهم می‌کند. واشنگتن باید تلاش برای همکاری با پنج کشور آسیای مرکزی را افزایش دهد و از اهمیت راهبردی آنها، دیپلماسی چندوجهی و تغییرات مداوم در روابط روسیه و چین برای تقویت استقلال بیشتر منطقه و تنوع بخشیدن به مشارکت‌های خود استفاده کند. آمریکا با اقدام فوری می‌تواند از طریق تقویت مشارکت‌های اقتصادی، دیپلماتیک و امنیتی با منطقه، از تمایل برخی کشورهای آسیای مرکزی برای کاهش وابستگی به روسیه و چین بهره‌برداری کند. اجلاس I+C۵+۱ در سال ۲۰۲۳، که آمریکا و پنج کشور آسیای مرکزی را گرد هم آورد، می‌تواند چارچوبی را برای تعامل عمیق‌تر واشنگتن فراهم کند. این اجلاس، گفت‌وگوهایی حیاتی در مورد مواد معدنی را برای بهره‌برداری از منابع منطقه‌ای و کاهش وابستگی به چین، در کنار تعهداتی برای همکاری در مبارزه با تروریسم و امنیت مرزی آغاز کرد. پس از آن در مارس ۲۰۲۴، مجمع تجاری I+B۵+۱ در آلماتی برگزار شد که به تقویت پیوندهای اقتصادی بخش خصوصی کمک کرد. آمریکا باید ابتکارات تجاری و سرمایه‌گذاری را در اولویت قرار دهد و با ارائه کمک‌های فنی و تأمین مالی برای پروژه‌های زیرساختی به کشورهای آسیای مرکزی در مقاومت آنها در برابر سلطه اقتصادی چین کمک کند. در حالی که تنوع اقتصادی بسیار مهم است، آمریکا باید به نگرانی‌های امنیتی آسیای مرکزی نیز بپردازد تا با نفوذ روسیه از طریق سازمان پیمان امنیت جمعی (CSTO) و حضور امنیتی رو به رشد چین در منطقه مقابله کند. این می‌تواند شامل اقدامات کنترل مرزی، آموزش ضدتروریسم و اطلاعات باشد. تعامل دیپلماتیک نیز به همان اندازه حیاتی است. اکثر کشورهای آسیای مرکزی سیاست‌های خارجی «چندوجهی» را دنبال می‌کنند و روابط امنیتی روسیه را با مشارکت‌های اقتصادی چین متعادل می‌کنند و از وابستگی بیش از حد به هر یک از آنها اجتناب می‌کنند. آمریکا می‌تواند با گسترش مبادلات فرهنگی و آموزشی، مانند افزایش بورسیه‌های تحصیلی برای دانشجویان آسیای مرکزی و ترویج برنامه‌های زبان انگلیسی در منطقه، از این عمل‌گرایی حمایت کند. همچنین می‌تواند با حمایت از ثبات داخلی به این کشورها کمک کند تا در برابر فشار مسکو و پکن مقاومت کنند. آمریکا باید همکاری روسیه و چین را که از سال ۲۰۲۲ شدت گرفته، هوشمندانه مدیریت کند. اقدامات روسیه در اوکراین و هشدارهای پوتین به قزاقستان، باعث شده است تا رهبران آسیای مرکزی در مورد ناراحت کردن کرملین محتاط باشند. درخواست قزاقستان در ۲۰۲۲ از نیروهای حافظ صلح روسیه، هرچند با استقبال رسمی مواجه شد، این نگرانی را تقویت کرد که ممکن است روسیه از این بی‌ثباتی برای پیشبرد اهداف خود استفاده کند. تمرکز روسیه بر اوکراین، منابع اقتصادی آن را برای آسیای مرکزی محدود کرده و خلأیی ایجاد کرده که چین با سرمایه‌گذاری‌های کمربند و جاده آن را پر می‌کند. آمریکا می‌تواند با معرفی کشورهای آسیای مرکزی به عنوان شرکای بی‌طرف، از تنش در همکاری چین و روسیه بهره‌برداری کند تا رهبران منطقه بتوانند از وابستگی انحصاری به روسیه یا چین اجتناب کنند. برای مثال، حمایت از صادرات گاز ترکمنستان به اروپا از طریق خط لوله ترانس خزر، وابستگی آن را کاهش داده و استقلال آن را افزایش می‌دهد. مقابله با مشارکت چین و روسیه نیازمند یک بازی طولانی‌مدت است، نه دنبال کردن راهبرد ساده‌انگارانه جدا کردن روسیه از چین با چشم‌پوشی از اقداماتش در اوکراین. بلکه باید از کارتهایی استفاده کند که چین با ادعاهای الحاق گریزنا به درباره خاک روسیه در خاور دور روی میز قرار داده است. اگرچه پکن هرگز رسماً پیمان ۲۰۰۱ دوجانبه که هرگونه ادعای ارضی را رد می‌کند، نقض نکرده، اما گفت‌مان عمومی در پلتفرم‌های چینی سیبری را «سرزمین درزیده شده» خطاب می‌کند. مسیر معقول با در نظر گرفتن منافع اصلی آمریکا در اروپا و آسیا، دنبال کردن صلح پایدار در اوکراین است. همزمان، واشنگتن باید به طور محرمانه با مسکو درباره تهدید چین در راستای منافع حیاتی روسیه در خاور دور گفت‌وگو کند و آمادگی خود را برای کمک پس از تحقق صلح در اوکراین اعلام کند.



آرمین منتظری

دبیر گروه دیپلماسی و بین‌الملل

روز ۳ نوامبر، اسرائیل کاتز، وزیر دفاع اسرائیل، دولت لبنان را به تعلق در اجرای تعهد خود برای برچیدن حزب‌الله متهم کرد و هشدار داد که عملیات نظامی اسرائیل تا زمان حذف کامل این گروه از منطقه مرزی تشدید خواهد شد. اظهارات کاتز اندکی پس از آن مطرح شد که ارتش اسرائیل حمله هوایی شبانه در جنوب لبنان را که بنا به گزارش‌ها منجر به کشته شدن چهار عضو نیروی نخبه رضوان حزب‌الله شده بود، آغاز کرد. این اقدام به عنوان بخشی از استراتژی مداوم اسرائیل برای تضعیف حزب‌الله پس از جنگ ۲۰۲۴، انجام می‌شود. پیشتر نیز اسرائیل با اجرای رزمایش‌های نظامی گسترده در ۱۹ اکتبر که نبرد در داخل خاک لبنان را شبیه‌سازی می‌کرد، وضعیت نظامی و نیروهای خود را در نزدیکی مرز شمالی خود با لبنان تقویت کرده است.

در طول جنگ ۲۰۲۴، تخمین زده می‌شود که حزب‌الله ۵ هزار تلفات نیروی نظامی داده و ۱۳ هزار نفر از نیروهایش نیز زخمی شدند. ارتش اسرائیل ادعا کرده که تا ۸۰ درصد از قابلیت‌های نظامی این گروه را نابود کرده است. به موازات آن، ارتش لبنان نیز گزارش داد که صدها موضع حزب‌الله را در جنوب رودخانه لیتانی خنثی کرده و هزاران موشک و صدها موشک و پرتابگر را در این فرایند توقیف کرده است. فروپاشی حکومت بشار اسد، رئیس‌جمهور سوریه، در دسامبر ۲۰۲۴، مسیر تدارکاتی مستقیم حزب‌الله با ایران را قطع کرد. از زمان پایان درگیری اسرائیل و حزب‌الله در نوامبر ۲۰۲۴، ارتش اسرائیل ادعا می‌کند که بیش از ۳۳۰ جنگجوی حزب‌الله را در حملات خود ترور کرده و مدعی است که حزب‌الله شرایط آتش‌بس را نقض کرده است.

احتمالاً لبنان تحت فشار فزاینده، مذاکرات محدودی را با اسرائیل دنبال خواهد کرد تا زمان بخرد و از تشدید تنش بر سر خلع سلاح حزب‌الله جلوگیری کند اما پیشرفت در این مسیر متوقف شده و تلاش‌های حزب‌الله برای بازسازی قابلیت‌های نظامی خود، احتمال تشدید حملات هوایی اسرائیل را بسیار زیاد می‌کند و خطر جنگ دیگری را افزایش می‌دهد. اگر این جنگ در بگیرد، تقریباً به طور قطع دولت لبنان فرو می‌پاشد و انتخابات در لبنان به طور نامحدود به تعویق می‌افتد. در روز ۶ نوامبر، اسرائیل پس از صدور دستور تخلیه، چندین ساختمان مسکونی در شهرهای جنوبی لبنان را بمباران هوایی کرد. اسرائیل ادعا کرده که مکان‌هایی را هدف قرار گرفته که توسط حزب‌الله برای بازسازی قابلیت‌های نظامی استفاده می‌شد. ارتش اسرائیل اعلام کرد این اقدام، نقض توافق آتش‌بس امضا شده بین دو طرف در ۲۷ نوامبر ۲۰۲۴ است. چنین حملاتی در هفته‌های اخیر به طور فزاینده‌ای افزایش یافته است و ارتش اسرائیل این حملات را در راستای اجرای آتش‌بس توصیف کرده است. اسرائیل معتقد است که بیروت هیچ گام مشخصی برای خلع سلاح حزب‌الله برنداشته و حزب‌الله در حال مسلح شدن مجدد است و آتش‌بس را نقض می‌کند. در همین راستا، تام باراک، فرستاده ویژه ایالات متحده به سوریه، در اول نوامبر مقامات لبنان را به متوقف کردن تلاش‌ها برای خلع سلاح حزب‌الله متهم کرد و هشدار داد که برای جلوگیری از تشدید تنش مسلحانه دیگر اسرائیل علیه حزب‌الله و لبنان، پیشرفت ملموس فوراً مورد نیاز است. بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل، در جلسه کابینه اسرائیل، در سوم نوامبر، این موضوع را تکرار کرد و اظهار داشت که اگر دولت لبنان نتواند این گروه شبه‌نظامی را خلع سلاح کند، اسرائیل «در صورت لزوم اقدام خواهد کرد».

جوزف عون، رئیس‌جمهور لبنان، در مواجهه با این فشار فزاینده، در روز سوم نوامبر اعلام کرد که مذاکره با اسرائیل تنها گزینه لبنان برای حل مسئله خلع سلاح حزب‌الله و پایان دادن به حملات اسرائیل به لبنان و تضمین خروج نیروهای اسرائیلی از جنوب این کشور است. عون در ادامه



صدای پای ج



تصویر AP

تحركات نظامی اسرائیل در مرزهای شمالی، بیش از هر زمان د

می‌توان گفت که تا حدی به دلیل محدودیت‌های لجستیکی در نیروهای مسلح لبنان، مانند کمبود متخصصان مواد منفجره و نیروی انسانی ناکافی، توانایی دولت لبنان در از بین بردن قابلیت‌های حزب‌الله در شمال رودخانه لیتانی محدود شده است. در همین حال، اسرائیل همچنان به حملات تقریباً روزانه خود در سراسر جنوب لبنان و دره بقاع ادامه می‌دهد و به بندی در آتش‌بس نوامبر ۲۰۲۴ استناد می‌کند که به اسرائیل اجازه می‌دهد در صورت عدم اجرای آتش‌بس، حملاتی را انجام دهد. گزارش‌های اخیر رسانه‌ها مبنی بر اینکه اسرائیل ممکن است اطلاعاتی داشته باشد که نشان می‌دهد حزب‌الله در حال آماده‌سازی خود برای درگیری در آینده است، این وضعیت بی‌ثبات را تشدید کرده و نگرانی‌هایی را در بیروت در مورد تشدید احتمالی دیگر درگیری‌ها توسط اسرائیل ایجاد کرده است.

دولت لبنان که به شدت از سوی بازیگران خارجی تحت فشار است، احتمالاً مذاکرات محدود و کم‌نتیجه‌ای را با اسرائیل برای کاهش تنش‌ها بر سر خلع سلاح حزب‌الله و تلاش برای متوقف کردن حملات مداوم اسرائیل دنبال خواهد کرد. رئیس‌جمهور لبنان، برای مذاکره با اسرائیل به عنوان ابزاری برای کاهش تنش‌ها و اجرای اقدامات اعتمادساز برای توقف حملات اسرائیل تلاش خواهد کرد.

تلاش عون برای برگزاری مذاکرات با اسرائیل با هدف خرید

گفت که این مسیر دیپلماتیک - با اشاره به درخواست برای مذاکره - توسط نواف سلام، نخست‌وزیر و به‌ویژه نبیه بری، رئیس‌مجلس (که متحد اصلی حزب‌الله است) نیز پذیرفته شده است. اگر نبیه‌بری نیز این درخواست عون را پذیرفته باشد، می‌توان گفت که این موضع جوزف عون، مورد تأیید ضمنی حزب‌الله نیز واقع شده است.

ایالات متحده در میانه تلاش‌های مداوم حزب‌الله برای بازیابی توان نظامی‌اش، از ناتوانی وی‌ا عدم‌تمایل دولت لبنان برای خلع سلاح حزب‌الله شکایت دارد. با وجود تعهد مکرر به بازگرداندن کنترل دولتی بر تمام سلاح‌ها و اتخاذ برنامه‌هایی برای خلع سلاح حزب‌الله در اوایل آگوست ۲۰۲۵ (البته بدون جدول زمانی مشخص)، دولت لبنان برای تحقق این وعده‌ها با مشکل مواجه بوده است. تا اکتبر ۲۰۲۵، مقامات ایالات متحده و سازمان ملل ادعا کردند که تقریباً ۸۰ تا ۸۵ درصد از سلاح‌های حزب‌الله از مناطق جنوب رودخانه لیتانی در نزدیکی مرز اسرائیل و لبنان پاکسازی شده است. با این حال، تلاش‌ها برای خلع سلاح در سایر نقاط لبنان متوقف شده است. این امر تا حدی به دلیل اصرار حزب‌الله است. حزب‌الله مُصر است که تنها زمانی سلاح‌های خود را تحویل دهد که پیش‌شرط‌های خاصی از جمله عقب‌نشینی اسرائیل از مواضع مرزی، آزادی زندانیان لبنانی و شروع روند بازسازی تحت‌رهبری دولت در لبنان برآورده شود. همچنین

تلاش‌های حزب‌الله برای بازسازی قابلیت‌های نظامی خود، احتمال تشدید حملات هوایی اسرائیل را بسیار زیاد می‌کند و خطر جنگ دیگری را افزایش می‌دهد. اگر این جنگ در بگیرد، تقریباً به طور قطع دولت لبنان فرو می‌پاشد و انتخابات در لبنان به طور نامحدود به تعویق می‌افتد

«ممدانی»، دردسر بزرگ اسرائیل

این رویداد، بر روابط آمریکا و اسرائیل خواهد گذاشت.

نکته اصلی در نتایج انتخابات سه‌شنبه، پیروزی گسترده دموکرات‌ها در سراسر کشور بود. هرچا رقابتی وجود داشت، دموکرات‌ها با اختلاف قابل توجهی برنده شدند. ایالت ویرجینیا نمونه خوبی است؛ «ایبگیل اسپنبرگر»، که به‌زودی نخستین زن فرماندار این ایالت خواهد شد، نه‌تنها کنترل ایالت را پس از چهار سال حکومت جمهوری‌خواهان بازپس گرفت، بلکه با اختلافی تاریخی حدود ۱۵ درصد پیروز شد؛ درحالی‌که «دونالد ترامپ» رئیس‌جمهور آمریکا، تنها یک سال پیش در همین ایالت با اختلاف ۵ درصد شکست خورده بود. حتی در انتخابات موسوم به «موج آبی» در دوره نخست ترامپ، نامزد دموکرات‌ها برای فرمانداری،

«الف نورثم»، تنها با اختلاف تکریمی پیروز شد.

ماجرای مشابهی در نیوجرسی رخ داد. در واقع، آخرین نظرسنجی‌ها رقابتی بسیار نزدیک را برای فرمانداری نشان می‌دادند. وضعیت آن‌قدر نزدیک بود که ترامپ تصمیم گرفت شخصاً وارد عمل شود و از جمعیت یهودیان فوق‌ارتدوکس این ایالت خواست تا به‌طور گسترده به نامزد جمهوری‌خواه، «جک چیتارلی»، رأی دهند. او دو پیام شخصی برای خریدی‌های نیوجرسی منتشر کرد، اما در نهایت، این تلاش‌هایی‌فایده بود. نظرسنجی‌ها موج عظیم آبی در ایالت را نادیده گرفته بودند؛ موجی که فرماندار بعدی، «میکی شریل»، را با اختلافی دورقمی و تاریخی به پیروزی رساند.

نتایج مشابهی در کالیفرنیا رقم خورد؛ جایی که رأی‌دهندگان با اکثریتی قاطع به طر ح‌ی رأی دادند که نقشه حوزه‌های انتخابیه کنگره ایالت را بازترسیم می‌کند تا دموکرات‌ها در انتخابات میان‌دوره‌ای ۲۰۲۶ چند کرسی بیشتر به دست آورند؛ در پنسیلوانیا